

تفکر استراتژیک مدیران آموزش عالی گامی مؤثر در جهت توسعه کشور و اثر بخشی بیشتر آموزش عالی

مریم انصاری^۱

ansaryy1260@yahoo.com

زهره سعادتمد^۲

saadatmand@khusif.ac.ir

چکیده

با شروع هزاره سوم میلادی دانشگاه‌هایی موفق‌اند که با بهره‌گیری از آخرین یافته‌های دانش مدیریت به استقبال تغییر رفته و با توجه به شرایط موجود، خود را با روندهای ملی و بین‌المللی همراه سازند. برای رسیدن به این امر مهم مدیران آموزش عالی دیگر قادر نیستند که با برنامه‌ریزی به شیوه‌ستنی به حل مشکلات پردازنند و نیاز به برنامه‌ریزی استراتژیک دارند. لازمه برنامه ریزی استراتژیک، داشتن تفکر استراتژیک است. بدین ترتیب مدیران می‌توانند بر مسائل و چالش‌های سازمان و از جمله مساله اشتغال فارغ‌التحصیلان غلبه نمایند و به راه حل‌های درست و منطقی دست یابند. این مقاله تلاش کرده به اهمیت و ضرورت تفکر استراتژیک در مدیران آموزش عالی پردازد. از جمله موضوعاتی که در این نگارش به آن پرداخته شده، مفهوم استراتژی، مزایا و چالش‌های آن در آموزش عالی، تفکر استراتژیک و ضرورت آن در آموزش عالی، جهانی شدن و تاثیرات آن در آموزش عالی می‌باشد. همچنین نمونه‌ای از برنامه استراتژیک مرکز زواره ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تفکر استراتژیک، مدیران آموزش عالی، اثر بخشی آموزش عالی

^۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

^۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان



مقدمه

با آغاز هزاره سوم که جهان به سمت محوری شدن دانش پیش می‌رود و نیاز متخصصان و مدیران آشنا به علوم پیشرفته بیش از پیش احساس می‌شود، آموزش عالی نیز مسؤولیت سنگینی را در قبال اجتماع و جامعه جهانی بر دوش خود احساس می‌کند. به همین منظور آینده جوامع تا حدود زیادی به آینده مؤسسات آموزشی و نهادهای متعالی دانش وابسته است و آینده نهادهای مختلف نیز در دانشگاه‌ها ترسیم می‌گردد.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی همواره به عنوان بالاترین مرکز اندیشورزی و تولید علم جامعه محسوب شده و با حضور و فعالیت اندیشمندانه متفکران و محققان و دانشپژوهان در اعتلای علمی و جهت بخشیدن به حرکتهای فکری، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه نقش اساسی دارند. توسعه نیروی انسانی مورد نیاز جامعه شامل تربیت دانشمندان، متخصصان، مدیران و مربیان، تولید دانش از طریق پژوهش، کمک به انتقال و تطبیق علوم و فن‌آوری، ارائه خدمات علمی، فنی و مشاوره‌ای به دولت و سایر بخش‌های جامعه، ارتقای دانش و فرهنگ عمومی جامعه و نیز مشارکت در تحولات جامعه جهانی، از رسالت‌های حساس آموزش عالی به حساب می‌آیند. (قورچیان و صالحی، ۱۳۸۳، ص ۳)

مدیران آموزش عالی سکانداران این ناو عظیم علمی هستند. لذا به منظور به انجام رساندن وظایف خطیر و پویا و ارتقای خود، باید با برنامه‌ریزی دقیق در امور آموزشی، پژوهشی و تربیت نیروی انسانی برای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود در کشور تلاش نمایند. در این راستا نیازمند برنامه‌ریزی توسعه‌ای و استراتژیک، بهبود فرایندها و روشهای و کنترل مستمر کیفیت هستند. برای دستیابی به این برنامه‌ریزی اصولی، حضور در عرصه‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و استفاده از موقعیت‌ها به منظور تحکیم و گسترش موقعیت فعلی و یافتن سکوهای پرتاپ جهت دستیابی به جایگاهی که دانشگاه‌ها استحقاق آن را دارد، ضرورت دارد. این امر میسر

نمی شود مگر با برنامه ریزی درست و استراتژیک که لازمه آن داشتن تفکر خلاق و استراتژیک مدیران آموزش عالی است. چیزی که در شرایط کنونی کمتر در مدیران دیده می‌شود.

فقدان تفکر استراتژیک در مدیران آموزش عالی به عنوان یک کمبود اساسی در دانشگاهها به شمار می‌رود.

مدیران با داشتن تفکر استراتژیک عوامل اساسی خطرآفرین محیطی را تحلیل کرده و راه حل‌هایی که با احتمال بیشتر برای رسیدن به هدف مناسب‌تر است، را ارائه می‌دهند. در واقع تفکر استراتژیک فرایند تعیین اهداف سازمان و اتخاذ تصمیم درباره طرح‌های جامع عملیاتی و اجرایی برای تحقق آن اهداف است. تفکر و برنامه ریزی استراتژیک در کنار هم نقش مکمل دارند. در این حالت، تفکر استراتژیک چشم انداز می‌آفریند و برای بیان و پیاده سازی آن از ابزار برنامه ریزی استراتژیک استفاده می‌کند. با وجود اهمیت تفکر استراتژیک هنوز در بسیاری از سازمان‌های آموزش عالی تأثیر حیاتی آن در رسیدن به اهداف سازمان به خوبی درک نشده و حتی در بعضی از مواقع مدیران آن را یک امر تجملی و پرهزینه می‌دانند.

در این مقاله سعی شده به اهمیت و ضرورت تفکر استراتژیک در کنار برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک پرداخته شود و راههای مناسبی برای ارزش آفرینی به مدیران پیشنهاد شود. با داشتن تفکر استراتژیک، قدرت خلاقیت مدیران برای رویارویی با پویایی‌های محیطی و چالش‌ها و مسائلی چون اشتغال فارغ التحصیلان بالا می‌رود.

مفهوم استراتژی در آموزش عالی

بکارگیری مفهوم راهبرد یا استراتژی در آموزش عالی، از اواخر دهه ۱۹۷۰ با انتشار کتاب کلر^۱ به نام راهبرد آموزشی در آموزش عالی امریکا آغاز شد. همچنین پیترسون^۲ و کپ^۳ از اولین نویسندهای



¹ - Keller

² - Peterson

با نفوذی بودند که درباره برنامه‌ریزی استراتژیک درآموزش عالی مطالبی را منتشر کردند. از نظر آنان برنامه‌ریزی در آموزش عالی باید منجر به تنظیم راهبردهایی اصولی شود تا منعکس کننده اهداف آینده آموزش عالی شود. پس از تعیین اهداف، فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک برای رسیدن به این اهداف مشخص می‌شود:

- الف - ارزیابی محیطی (برای شناخت روندها و تغییرات احتمالی در محیط و تأثیر آن بر دانشگاه).
- ب - ارزیابی داخلی دانشگاه (برای روشن شدن نقاط ضعف، قوت و مشکلات و توانایی‌های سازمان).
- ج - ارزیابی ارزش‌ها (برای بررسی ارزش‌ها، امیدها، آرمان‌های متضاد از عناصر مختلف و وظایف مؤسسه نسبت به آن ارزش‌ها و مردم)
- د - تکوین برنامه اصلی (برای ابداع الگو و طرح راهبردی و یا جهت‌یابی برای مؤسسه بر پایه سه جزء فوق). (پیترسون، ۱۹۸۰)

در پاسخ به این که چرا آموزش عالی نیاز به برنامه‌ریزی استراتژیک دارد؟ باید گفت که برنامه‌ریزی استراتژیک یکی از تدبیرهای مهمی است که دانشگاه برای رویارویی با چالشها می‌تواند، اتخاذ کند. استراتژی وسیله‌ای برای شناسایی مزایای رقابتی و ایجاد آن است. فقدان برنامه‌ریزی استراتژی مؤثر، باعث پیش‌بینی‌های بسیار ناخوشایندی شده است.

در طول دهه‌های گذشته، دانشگاه‌ها مجبور بودند با تغییرات متعددی در محیط داخلی و خارجی مواجه شوند. این تغییرات عبارتند از: کمبود زمینه‌های اشتغال برای دانش آموخته گان آموزش عالی، کاهش کمک مالی، پیدایش دانشگاه‌های خصوصی، پیشرفتهای سریع تکنولوژی، تغییر نسبت جمعیت و برنامه‌های آکادمیکی از رده خارج.

درنتیجه دانشگاه‌ها می‌بایست با برنامه‌ریزی استراتژیک به سوی سازگار شدن با شرایط بسیار متغیر به پیش روند. رولی^۱ در سال ۱۹۹۷^۲ گزارش داد که برنامه‌ریزی استراتژیک در



دانشگاه‌ها موقعیت متوسط داشته‌است و فقط چند دانشگاه به نتایج خارق‌العاده رسیده‌اند. گرچه بعضی دیگر تلاش کرده‌اند تا موفقیت‌ها و عیوب برنامه‌ریزی استراتژیک را توضیح دهند، ولی محققان نظرات مختلفی دارند و تاکنون به نتیجه اجمالی در مورد موفقیت برنامه‌ریزی استراتژیک در دانشگاه‌ها نرسیده‌اند. علت این امر شاید نداشتن تفکر استراتژیک و اصولی بوده است.

مینتزبرگ^۱ (۱۹۹۴) «برنامه ریزان» را از «متفکران» استراتژیک جدا می‌داند. وی برای برنامه ریزان استراتژیک نقشه‌های موثری همچون گردآوری داده، همراهی متغیر استراتژیک در خلق استراتژی و مشارکت در پیاده سازی چشم اندازهای استراتژیک ذکر می‌کند ولی خلق چشم انداز و معماری استراتژی را حاصل تفکر استراتژیک می‌داند. تفکر استراتژیک جهت گیری مناسب سازمان را مشخص می‌سازد و برنامه ریزی استراتژیک سازمان را در جهت مشخص شده به پیش می‌برد. بدین ترتیب، ابعاد تحلیلی و عقلایی استراتژی با ابعاد خلاقانه و هنری آن پیوند می‌خورد و یک رویکرد قوی مدیریتی حاصل می‌گردد.

مزایا و چالش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در آموزش عالی

بکارگیری فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک به طرق مختلفی برای دانشگاه‌ها متمرث مر است:

- چارچوبی برای تعیین مسیر دانشگاه و رسیدن به هدف مطلوب، ایجاد می‌کند.
- چارچوبی برای دستیابی به مزایای رقابتی ارائه می‌کند.
- به کلیه قسمت‌های دانشگاه اجازه می‌دهد تا برای رسیدن به اهداف با یکدیگر تعامل کنند.
- نگرش همه مسئولان اصلی را بالا می‌برد تا به مسیر استراتژیک دانشگاه عکس العمل مبتکرانه نشان دهند.
- باعث گفتگوی میان مسئولان شده، به‌طوری‌که درک بهتری از نگرش سازمان و اهمیت داشتن برنامه استراتژیک ارائه می‌دهد.



● باعث هماهنگ شدن دانشگاه با شرایط می‌شود.

● اولویت‌های دانشگاه را تعیین می‌کند. (لرنر، ۱۹۹۹)^۱

مبانی برنامه ریزی استراتژیک، پیش‌بینی محیط (فرصت‌ها و تهدیدات) آینده است و در جایی که بین پیش‌بینی (در زمان برنامه ریزی) و واقعیت (در زمان اجرا) تفاوت زیادی وجود داشته باشد، اثر بخشی آن از بین می‌رود. برنامه ریزی استراتژیک به محیطی با ثبات و پایدار، عوامل محیطی در تعادل با تغییرات پیوسته، کنش و واکنش قابل فهم و قابل پیش‌بینی نیاز دارد و در فقدان چنین شرایطی از کارکرد مؤثر باز می‌ماند.

و اما چالش‌هایی که امروزه با توجه به شرایط محیط در برنامه ریزی استراتژیک وجود

دارد شامل:

۱- در برنامه ریزی استراتژیک کار بر اساس داده‌های محیطی و داخلی شکل می‌گیرد، بدون اینکه سنجیده شود که این داده‌ها تا چه اندازه معتبر و قابل تکیه هستند.

۲- اساس برنامه ریزی استراتژیک، پیش‌بینی روند امور است. ولی تغییرات ناپیوسته مانند تحولات تکنولوژیک، اجتماعی و یا سیاسی قابل پیش‌بینی نیستند.

۳- مبانی برنامه ریزی‌های استراتژیک تحلیل داده‌های است و این شیوه تفکر (تفکر همگرا) قادر است لازم برای خلاقیت (تفکر واگرا) به عنوان دورنمای اصلی استراتژیهای تحول بخش است.

تفکر استراتژیک و ضرورت آن در آموزش عالی

در مقابل تنگناهای برنامه ریزی استراتژیک، تفکر استراتژیک پیشنهاد شده است. تفکر استراتژیک یک رویکردی است که مبتنی بر اصول استراتژی، تفکر واگرا و خلاقانه را برای خلق یک استراتژی ارزش‌آفرین توصیه می‌کند. تفکر استراتژیک بیش از جنبه‌های فرایندی و متداول‌زیک به استراتژی به عنوان یک هنر نگاه می‌کند.



تفکر استراتژیک یک مهارت حیاتی مدیریت در هزاره جدید است. مهارتی که لازمه توانمند سازی سازمان برای بقا و رشد در محیط به شدت رقابتی امروز است.

برای درک بهتر لازم است درباره ماهیت تفکر استراتژیک توضیح بیشتری داد:

از دیدگاه ماهوی تفکر استراتژیک یک «بصیرت و فهم» است. این بصیرت کمک می‌کند تا در شرایط پیچیده کار و محیط:

۱- واقعیتهای سازمان و قواعد آن به درستی شناخته شود.

۲- ویژگیهای جدید محیط زودتر از دیگران کشف گردد.

۳- جهش‌های یا ناپیوستگی‌های کار و سازمان درک شود.

۴- و برای پاسخگویی به این شرایط راهکارهای بدیع و ارزش آفرینی خلق شود.

تفکر استراتژیک مدیر را قادر می‌سازد تا بفهمد چه عواملی در دستیابی به اهداف

موردنظر موثر است و کدامیک موثر نیست و چرا، و چگونه عوامل موثر برای سازمان ارزش می-

آفریند؟ این بصیرت نسبت به عوامل تاثیرگذار در خلق ارزش، قدرت تشخیص ایجاد می‌کند.

بدون این تشخیص، صرف منابع (مادی و غیرمادی) سازمان برای دستیابی به موفقیت بی‌حاصل

خواهد بود. تفکر استراتژیک «پیش‌بینی» آینده نیست. بلکه تشخیص به موقع خصوصیات

میدان رقابت و دیدن فرصتهایی است که رقبا نسبت به آن غافل هستند. و این امر در محیط

ناپایدار و متتحول کار، یک رویکرد بی‌نظیر است. تفکر استراتژیک در قالب قواعد «ساده و

عمیق» ظاهر می‌شود. این قواعد مدل ذهنی خاصی را ایجاد کرده و مبنای تصمیم‌گیریهای

روزانه تا جهت گیریهای کلی سازمان خواهد بود.

تفکر استراتژیک برای سازمان و ذینفعان آن انگیزه و تعهد ایجاد می‌کند. این انگیزه و

تعهد از طریق قدرتی به وجود می‌آید که در «حقیقت» ساده و در عین حال جذاب است.

میتنزبرگ تفکر استراتژیک را یک نمای یکپارچه از کسب و کار در ذهن می‌داند، هامل^۱ آن را



^۱معماری هنرمندانه استراتژی بر مبنای خلاقیت و فهم کسب و کار توصیف می‌کند و استیسی

آن را طرح‌حریزی بر مبنای یادگیری می‌شناسد. (غفاریان و علی‌احمدی، ۱۳۸۵)

راههای مناسبی برای ارزش آفرینی و بروز تفکر استراتژیک و استراتژیهای خلاقانه در

مدیران آموزش عالی وجود دارد. پنج فرمان برای تفکر استراتژیک، یکی از آن راههای است که به

مدیران پیشنهاد می‌شود:

۱- بیش از اطلاع گیری به دنبال یادگیری از محیط باشید.

۲- بیش از پاسخ به نیازهای کشف شده به دنبال کشف نیازهایی باشید که به آنها پاسخ داده نشده‌اند.

۳- بیش از اهداف میانی چشم به اهداف نهایی داشته باشید.

۴- بیش از قابلیت سازی برای تولید، به دنبال قابلیت سازی برای رقابت باشید.

۵- در حرکت به سوی هدف، بیش از سرعت به دنبال راه میان بر باشید. (غفاریان و کیانی،

(۱۳۸۵)

بر طبق بررسی اسناد و مدارک موجود در سایتها و منابع مطالعاتی مختلف، مراکز آموزش

عالی سراسر جهان از مدت‌ها قبل به اهمیت تفکر و برنامه ریزی استراتژیک پی برده‌اند:

- بخش اعظم تحقیقات درباره راهبرد در آموزش عالی در کشور آمریکا انجام شده‌است. تحقیقاتی

را در استرالیا کلی و شا (۱۹۸۷)^۱، در کانادا سیبلی و بولت (۱۹۸۶)^۲، در انگلستان نیو (۱۹۸۷)^۳، در

هلند ماسن و ونوت (۱۹۹۰)^۴ انجام داده‌اند. با وجود این ابتکارها و بحث‌ها و نیز به رغم

فعالیت‌هایی که درباره راهبرد در آموزش عالی امریکا انجام شده، هنوز هم تحقیقات راهگشا

نبوده‌اند. چافی^۵ معتقد است که بخش بزرگی از مطالب انتشار یافته درباره راهبرد در آموزش

^۱- R.STACEY

^۲- Kelly & Show

^۳- Sibley & Boulet

^۴- Neave

^۵- Maassen & Van Vught

^۶- Chaffee

عالی، توصیفی، توضیحی و یا نظری است و یا کمتر با تفکر استراتژیک همراه بوده است.

(چافی^۱، ۱۹۸۵)

- آموزش عالی کنتاکی^۲ (۱۹۹۶-۲۰۰۰) برنامه استراتژیک خود را با این دورنما آغاز کرد:

در آستانه ورود به قرن ۲۱، این باور قوی وجود دارد که یک سیستم آموزش عالی و هماهنگی شناخته شود تا کیفیت برنامه‌ها را در جهت ارضاء نیازهای بلندمدت کنتاکی تضمین نماید. همچنین در این دورنما آموزش عالی متعدد شد که تمام برنامه‌های استراتژیک خود، در جهت توسعه شهروندان تحصیل کرده، حمایت از افراد با سلایق متنوع، تشویق و توسعه اقتصاد محلی، شرکت در رقابت‌های جهانی و افزایش کیفیت زندگی در کنتاکی قدم بردارد.

- دانشگاه کارولینای جنوبی، چشم انداز خود را شناخته شدن دانشگاه به عنوان یک مرکز بین المللی، فراهم آوردن محیط آموزشی مناسب، برآوردن نیازهای آموزشی پرسنل، اثربخشی سیستم آموزشی با بکارگیری حداکثر ظرفیت کاری، افزایش مراکز پژوهشی، بکارگیری تکنولوژی جدید آموزشی در محیط آموزشی معرفی می‌نماید. (دانشگاه کارولینای جنوبی^۳، ۱۹۹۹)

- زپری گیو^۴ (۲۰۰۲) یک مطالعه موردی در دانشگاه‌های آمریکا انجام داده که در آن فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک را نمایش می‌دهد. در این مطالعه مراحل اصلی برنامه‌ریزی استراتژیک و مشکلات این مراحل مشخص می‌شود. هدف از این مطالعه استفاده از متدهای متفاوت برنامه‌ریزی در دانشگاه‌های روسیه است. در این مطالعه برنامه‌ریزی استراتژیک یک پروسه پیچیده و در جریان تغییر سازمانی است که با تفکر استراتژیک همراه بوده و دارای ویژگی‌هایی چون آینده محوری، تحلیل روندها و اطلاعات داخلی و خارجی، توجه به مزایای رقابتی و



¹ -Chaffe



² -Kentucky Higher Education



³ - South Carolina State University



⁴ - Zapryagaev

پتانسیل آن و نهایتاً یک فرایند یادگیری مداوم و در جریان است که مقصدهش فراتر از دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است.

- ۲۰ مؤسسه آموزش عالی اسکاتلندر (SHEFC^۱) (۲۰۰۲) با همکاری یکدیگر استراتژی‌های ملی و منطقه‌ای را برای گسترش آموزش عالی خود به خدمت گرفتند. این مؤسسه با برگزاری جلسات گفتگوی استراتژیک بین مؤسسات آموزش عالی بر چهار اولویت در گفتگوی استراتژیک توافق کرده است: ۱- تفکر استراتژیک رهبران ۲- یادگیری ۳- مهارت تدریس ۴-

انتقال علم

هدف نهایی این مرکز این بود که چگونه آموزش عالی می‌تواند با کمک تجربیات و دانش خود این اولویتها را به انجام برساند و به یک برنامه استراتژیک ملی در آموزش عالی خود دست یابد.

- دانشگاه‌های اوگاندا^۲ (۲۰۰۵) برای مراکز آموزش عالی خود اقدام به تهییه برنامه استراتژیک نموده و گزارش آن را به صورت یک مقاله ارائه داده‌اند. هدف اولیه بر آن بود که چگونه برنامه‌ریزی استراتژیک در دانشگاه‌های اوگاندا عملی می‌شود. این گزارش بر اهمیت داشتن برنامه‌های استراتژیک تأکید می‌کند و نشان می‌دهد چگونه چنین برنامه‌هایی در عملکرد صحیح دانشگاه‌ها استفاده می‌شود.

در دانشگاه‌های داخل نیز طی چند سال گذشته به ضرورت و اهمیت داشتن تفکر استراتژیک برای مدیران پی برده و به طراحی برنامه ریزی استراتژیک برای دانشگاه‌های خود پرداخته‌اند. پیرو همین مطلب مدیران دانشگاه‌های آزاد اسلامی طی یک برنامه ریزی بلند مدت به طراحی برنامه ریزی استراتژیک برای دانشگاه پرداخته‌اند تا از این طریق بتوانند به اهداف چشم انداز ۵ ساله و ۲۰ ساله دسترسی پیدا کنند. یک نمونه عملی که توسط نویسنده‌گان این مقاله انجام



^۱- Scottish Higher Education Funding Council

^۲- Uganda University

گرفته، شناسایی محیط داخلی و خارجی و طراحی برنامه استراتژیک دانشگاه آزاد اسلامی مرکز زواره است. که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

چشم انداز دانشگاه آزاد اسلامی مرکز زواره

چشم انداز دانشگاه آزاد اسلامی مرکز زواره این است که در سال ۱۳۹۲، یکی از واحد‌های متوسط منطقه چهار دانشگاه آزاد اسلامی شود که از ویژگی‌های زیر برخوردار است: تبدیل شدن از مرکز به واحد، - ایجاد رشته‌های جدید و مناسب با نیازهای منطقه، - ایجاد محیط با نشاط و سرسبیز از طریق محوطه سازی و ایجاد فضای سبز، - توسعه مراکز فن آوری و علمی، تحقیقاتی دانشگاه.

قوت‌ها

- وجود استادی جوان، بالانگیزه و متخصص در رشته خود- وجود روحیه مشارکت و همکاری بین مسئولین و کارکنان دانشگاه - رابطه مناسب و احترام آمیز استاد با دانشجو- وجود کارکنان با مدرک لیسانس و بالاتر- وجود انضباط اداری و پاسخگویی مسئولین دانشگاه به مسائل موجود- وجود انگیزه کاری در کارکنان- آشنایی کارکنان با روند اداری و شرح وظایف خود
- القاء تفکر مثبت در عرصه علمی و ایجاد حس رقابت با دیگر دانشگاه‌ها درین دانشجویان

ضعف‌ها

- محیط فیزیکی نامناسب دانشگاه- کمبود اعضای هیات علمی با مدارک بالا- کمبود کتابخانه با منابع کافی و مناسب برای دانشجویان واساتید- عدم وجود سایت جهت اتصال استادی و دانشجویان به اینترنت و مجلات روز دنیا- ضعف فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی- عدم وجود تسهیلات رفاهی کافی چون وام، خوابگاه، و امکانات ایاب و ذهاب- عدم وجود سیستم تشویق و تنبیه برای کارکنان و استادی-- تک رشته‌ای بودن دانشگاه- کمبود بودجه در تمام قسمت‌های

دانشگاه



فرصت‌ها

وجود فرهنگ علم آموزی وعلاقه به تحصیل در بین دانشجویان - پذیرش دانشجویان مستعد و بومی - دیدگاه مشبت مردم منطقه نسبت به دانشگاه آزاد - حضور فارغ التحصیلان دانشگاه در ادارات منطقه - وجود مراکز صنعتی و تولیدی در منطقه - حمایت امام جمعه و مسئولین شهر ازدانشگاه - مذهبی بودن شهر که باعث امنیت خاطر دانشجویان و خانواده‌ها شده است - ارتقاء سطح فرهنگ مردم شهر به دلیل وجود دانشگاه

تهدیدها

- وجود مراکز آموزش عالی دیگر در منطقه - محدودیت رشته‌های مورد نیاز منطقه - کاهش جمعیت دانشجو - دور بودن دانشگاه از مرکز استان و شهرستان‌های اصلی استان - عدم همکاری و حمایت ادارات و سازمان‌های منطقه از دانشگاه آزاد
- عدم توجه به امنیت شغلی کارکنان - عدم شناخت کافی مردم و سازمان‌های شهر از کارکردهای دانشگاه

جهانی سازی و تاثیرات آن در آموزش عالی

نظام آموزش عالی مانند دیگر نظامها، تحت تاثیر جهانی شدن نیازمند طراحی مجدد فرایندها و ساختارهای خود می‌باشد. تمرکز زدایی، خصوصی سازی و رقابت آفرینی سه الزام مهم در این راستاست که آموزش عالی باید به آن جامه عمل بپوشاند.

هاردی و دیگران^۱ (۱۹۹۳) بیان می‌کنند که تمرکز زدایی در حوزه آموزش عالی به این معناست که مجتمع محلی، آموزش گران و مدیران مراکز آموزشی از استقلال بیشتری در برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی خود برخوردار باشند و در نتیجه این مراکز در قبال بروندادهای خود



پاسخگو باشند. شکل گیری مراکز آموزشی غیر دولتی خود نوعی از انحصار زدایی از آموزش عالی است.

مقررات زدایی و خصوصی سازی نیز دو استراتژی مهم در اصلاح ساختار دولت به منظور کسب توانایی جهت پیوستن به اقتصاد جهانی است. خصوصی سازی، تمرکز زدایی و مقررات زدایی منجر به ظهور پدیده رقابت در آموزش عالی می‌شود. هدف اصلی از رقابت آفرینی، بهبود بهره وری اقتصادی از طریق بهبود کیفیت کار است. رقابت آفرینی ثمره تفکر استراتژیک است. بنابراین با تفکر استراتژیک می‌توان به بهره وری اقتصادی دست یافت. کافی است مدیران آموزش عالی به این باور و اعتقاد برسند و راهکارهای بروز تفکر استراتژیک را اجرا نمایند. تفکر استراتژیک از طریق تشخیص و تقویت فعالیتهایی که ارزش‌های منحصر به فردی دارد، مزیت رقابتی ایجاد می‌کند. که این کار از طریق فهم قواعد کار و پاسخگویی خلاقانه به آن انجام می‌شود.

رشد تقسیم کار اجتماعی، پیچیدگی ابزار فنی و ساختار اقتصادی، اهمیت یافتن بسته بندی دانش و نقش ویژه تحصیلات در کسب پایگاه اجتماعی و حذف موانع نژادی و جنسیتی برای ورود به دانشگاه و توجه بیشتر به افزایش کیفیت نیروی انسانی، شکل گیری دانشگاه ابوه را به دنبال دارد. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳) یکی از صاحب نظران پیامدهای مشیت توده ای شدن آموزش عالی را به شرح زیر دانسته است:

- دانشگاهها را بیش از پیش در خدمت نیازهای واقعی جامعه قرار می‌دهد.

- امکان تحقق عادلانه تر توزیع قدرت و ثروت را در جامعه فراهم می‌سازد.

- تعمیم نخبگی به کل جامعه

- از آموزش عالی رمز و راز زدایی می‌شود و احترام و تقاضا برای آن نیز عمومی می‌گردد.

- به دلیل تنوع دانشجویان، وسعت دانشگاهها و امکانات آنها، ماموریت‌ها و کارکردهای دانشگاه نیز متنوع تر و چند گانه تر می‌شود.



- مدیریت دانشگاهها دموکراتیک‌تر می‌شود.
 - با مشارکت عده بیشتر مردم امکان بیشتری برای استقلال دانشگاهها از دولت فراهم می‌شود.
- (ایوانس^۱، ۲۰۰۲)

یکی از شاخص‌های مهم توسعه یافتنگی که جهانی شدن آموزش عالی می‌تواند به تحقق آن کمک کند، تحرک اجتماعی است. زیرا امکان دستیابی طبقات پایین جامعه به سطح تحصیلات بالاتر و در نتیجه ورود به طبقات بالاتر فراهم می‌شود. مراکز آموزش عالی غیر دولتی نقش بسیار مهمی در ایجاد تحرک اجتماعی، رمز و راز زدایی از آموزش عالی، انحصار زدایی از آموزش عالی و حذف طبقه نخبگان و توده‌ای کردن نخبگی ایفا نموده است.

آموزش عالی با جهانی شدن و ایجاد فرصت برابر برای همه شهروندان و انحصار زدایی از خود می‌تواند به همگرایی ملی کمک کند. منظور از همگرایی ملی این است که افراد و گروههای مختلف اجتماعی با وجود همه تفاوت‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی خود را جزئی از یک هویت فرآگیرتر به نام ملت تلقی کنند

اخوان کاظمی (۱۳۸۳) در این باره می‌نویسد:

آموزش از طریق توزیع فرصت‌های برابر، امکان راهیابی افراد مستعد و نخبگان را از همه گروههای اجتماعی و من جمله گروههای اقلیتی، به مجتمع علمی و سپس به چرخه قدرت فراهم می‌سازد و از این طریق در گسترش دموکراسی بسیار مؤثر است. بدین ترتیب آموزش عالی فضای تفاهم و ارتباط بین فرهنگی را در جامعه گسترش می‌دهد و امکان حل مسالمت آمیز اختلافات و گفتگوی دموکراتیک را فراهم می‌سازد. تا چند سال قبل به دلایل زیر آموزش عالی عملاً قادر به توزیع فرصت برابر برای همه شهروندان نبود، ولی اکنون با تشکیل مراکز آموزش عالی غیردولتی و خصوصی در اکثر نقاط کشور توانسته تا حدی بر این مشکلات غلبه کند:



- تمرکز دانشگاهها در شهرهای بزرگ

- وجود تفاوت فاحش بین امکانات و شرایط آموزشی در شهرهای بزرگ و مناطق محروم

- نبود ارتباط منطقی بین تعداد متقاضیان آموزش عالی و گنجایش دانشگاهها

- وجود موانع خانوادگی و فرهنگی برای خانم‌های مناطق محروم برای ادامه تحصیل در شهرهای بزرگ

نتیجه گیری

بی‌شک محور اصلی توسعه همه جانبی کشور آموزش عالی است که همواره به عنوان مرکز اندیشورزی و تولید علم جامعه به حساب می‌آیند. مدیران آموزش عالی که ناخداei این کشتی عظیم علم و توسعه هستند، نیاز به برنامه ریزی توسعه‌ای و استراتژیک دارند تا بتوانند فرایندها و روشها را بهبود بخشدند و کنترل کیفیت نمایند. بدیهی است تنها داشتن علم استراتژیک کافی نیست. بلکه قبل از آن بایستی با تفکر استراتژیک عوامل اساسی خطر آفرین و چالش‌های محیطی را تحلیل کرده تا بتوان راه حل‌هایی که احتمال بیشتر برای رسیدن به هدف دارند، را ارائه کرد. به هر حال لازمه‌ی پایداری مدیران در آموزش عالی و مقابله منطقی با چالش‌ها و مشکلات داشتن استراتژی مناسب در سازمان است. داشتن بصیرت در کار تنها به درک رابطه بین عوامل و عناصر محدود نمی‌شود، بلکه کشف شهودی مسائل ناشناخته محیط و خلق ایده‌هایی برای بهره‌وری از آنها، مظهر ارزش آفرینی در این بصیرت است. تفکر استراتژیک رویکردنی است که زمینه شکل‌گیری و توسعه این بصیرت را فراهم می‌سازد. پنج راه حل برای رسیدن به تفکر استراتژیک شامل یادگیری از محیط، کشف نیازهای بی‌پاسخ و خلق راهکارهای بدیع و ارزش آفرین برای پاسخ به آنهاست که بعنوان راههای مناسب برای تفکر خلاق در مدیران پیشنهاد می‌شود. در حقیقت تفکر استراتژیک مدیران را به سوی یادگیری سریع از محیط و بکار

گیری خلاقیت برای خلق ارزش‌های جدید و مقابله با چالش‌هایی چون استغال فارغ التحصیلان
فرا می‌خواند.

منابع

اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۸۳)، آموزش عالی و توسعه پایدار، در مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، جلد اول، مؤسسه پژوهی و برنامه ریزی آموزش عالی - انجمن آموزش عالی ایران اعتباریان، اکبر. (۱۳۸۵)، نقش استراتژیک دانشگاه آزاد اسلامی در مدیریت توسعه کشور، در مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای بزرگداشت ربع قرن فعالیت دانشگاه آزاد اسلامی ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۳)، دانشگاه‌های آینده، بررسی تحول در آموزش عالی، در مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، جلد دوم، مؤسسه پژوهی و برنامه ریزی آموزش عالی - انجمن آموزش عالی ایران قورچیان، نادرقلی و صالحی، محمد. (۱۳۸۳). طراحی یک مدل برای نهادینه کردن آینده پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خواراسگان. دوره دوم، شماره دوم. غفاریان، وفا و علی احمدی، علیرضا. (۱۳۸۵)، تفکر استراتژیک Available from: <http://www.imi.ir/tadbir/tadbir-137/2.asp>. 2007/04/07 Available from: غفاریان، وفا و کیانی، علیرضا. (۱۳۸۵)، ۵ فرمان برای تفکر استراتژیک، http://www.persianblog.com/posts/?weblog=draker_persianblog.com&postid=51121 33.2007/04/07

Chaffee, E.E. (1985), The Concept of Strategy : From business to higher education. In : Smart J (ed)1985 Higher Education : Handbook of Theory & Research Vol.1.American Educational Research Association, Washington, DC,pp.133-72.

Evans ,G .R.(2002), Academics & the real world, London: the society for research into higher education & open universe.

Hardy.C, Langley. A, Mintzberg. H, Rose.J, (1993), Strategy Formation In The University Setting. Reu.Of Higher Education.



Lerner.L.Alexandra., (1999), A Strategic Planing Primer For Higher Education, College Of Business Administration & Economics, California State University, Northridge. Available from:<Http://www.sonomae.edu/Aa/planning/strategic-planning-primer.pdf>

Mintzberg,Henry.(1994), The fall & rise of strategic planning , Harvard business. Review.jan-feb.p:107.

The south Carolina State University, (1999).Available from:<Http://www.LTAP Center>. South Carolina State.

Peterson ,M.W,(1980) , Analyzing Alternative Approaches to Planning. In : Jeamus .P. Peterson .M.W et al.1980, improving academic management.

Rowley, Michael & kaye .Jude., (1997), Strategic Planning For Nonprofit Organizations. New Yourk : John Wiley & Sons.

Strategic Plan For Kentucky Higher Education, 1996-2000, Available Frome:
<Http://Www.Louisville>. Edulorg /Che/Plan 2a.Htm

Ugandan Universities ,(2005), Strategic Planning In Higher education institutions. A Case , Narcis Tumushabe Rwangoga Department Of Computer Science. Kampala, Uganda www.cit.ac.ug

SHEFC(Scottish Higher Education Funding Concil),(2002),New Moves to development strategic planning in higher education .<http://www.shefc.ac.uk>

Zapryagaev.S.(2002), A Case Stuies Of Sttrategic Planning In US University. Available from : <Http:// www.Irex.Org/programs/uasp/irex/UASP.pdf>

